گرایش به رشته‌های علوم زیستی

از دهه ۱۹۷۰ علم ژنتیک مخصوصاً در زمینه ژنتیک ملکولی و مهندسی ژنتیک گسترش فوق‌العاده‌ای داشته است بطوریکه در آغاز قرن بیست و یکم مهندسی ژنتیک و DNA نوترکیب مرزهایی را در نوردیده است که تصور آن حتی ۳-۲ دهه قبل نیز مسیر نبود. در چنین مرحله تاریخی در کشور ما به دلیل بافت جوان جامعه مراکز آموزشی و دانشگاهی گسترش بسیاری داشته است و در تمامی رشته‌ها در مراکز دانشگاهی و آموزش زمینه‌ها مطالعه فراهم شده است. در چنین شرایطی و با توجه به گسترش مراکز آموزشی و دانشگاهی کشور و از طرفی با توجه به گسترش و اهمیت ویژه مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی در جهان انتظار بر این است که در هرم توزیع نوجوانان در مراکز پیش دانشگاهی و دبیرستان‌ها رشته علوم تجربی جایگاه قابل قبولی داشته باشد و در صد قابل توجهی از نوجوانان به این رشته علاقمند باشند ولی در واقع وضعیت به این صورت نیست و گرایش دانش‌آموزان به رشته علوم تجربی در طی سال‌های اخیر کاهش فوق‌العاده‌ای داشته است و در حال حاضر نیز درصد بسیار کمی از دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل رشته تجربی را انتخاب می‌کنند و به‌نظر می‌رسد جاذبه‌های چندانی در رشته علوم تجربی برای دانش‌آموزان وجود ندارد و اکثریت نوجوانان جذب رشته‌های دیگر و بخصوص ریاضی فیزیک می‌شوند. این در حالی است که در سال‌های نه چندان دور جاذبه این دو گرایش اصلی برای نوجوانان فاصله‌ای تا این حد نداشت و انتخاب اول دانش‌آموزان دبیرستانی یکی از این دو رشته بود.

این عدم توجه نوجوانان به رشته‌های علوم تجربی را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی نمود ولی آنچه از نظر ما می‌تواند قابل توجه باشد عدم توجه کلی در جامعه به جایگاه علم و دانش مخصوصاً علوم پایه می‌باشد. فارغ التحصیلان رشته‌های علوم زیستی از دانشگاه‌ها می‌توانند وارد رشته‌های علوم پایه، و علوم کاربردی کشاورزی و پزشکی شوند. متخصصین علوم پایه عمدتاً معلم مدرسه تا دانشگاه و محقق می‌شوند و متخصصین علوم کاربردی این رشته نهایتاً مهندسی کشاورزی و پزشک خواهند شد. حال باید به بررسی جایگاه این متخصصین در جامعه بپردازیم و اینکه امکان قرار گرفتن فارغ التحصیلان در این جایگاه‌ها نیز چقدر خواهد بود؟به بیانی ساده امکان بدست آوردن شغل برای این متخصصین به چه میزانی می‌باشد؟ مثلاً چند درصد از فارغ االتحصیلان دانشکده‌های کشاورزی کشور موفق به یافتن کار در زمینه تخصصی خود خواهند شد. طبق آمار درصد آنقدر ناچیز است که باید از ذکر آن خودداری نمود. ضمن اینکه اگر یک فارغ‌التحصیل کشاورزی موفق شد در رشته تخصصی خود شغلی پیدا کند آیا در آمد حاصل از آن برای زندگی او کافی می‌باشد و آیا این درآمد با درآمد متخصصین همتراز او در رشته‌ای دیگر تشابهی دارد!؟این موارد برای فارغ التحصیلان علوم پایه رشته‌های زیستی، رشته‌های پیراپزشکی و حتی پزشکی نیز صادق است. لذا جاذبه‌های منحصر بفرد علوم زیستی بخصوص جنبه‌های مختلف ژنتیکی و سلولی و ملکولی آن به تنهایی کافی نیست و باید این علوم و جنبه‌های کاربردی و اقتصادی آن از جمله بیوتکنولوژی در جامعه نمودهای عینی داشته باشد و مورد حمایت قرار گیرد تا در معیشت جامعه مؤثر گردد.باید توجه داشت که در سطح جهان نقش علوم مبتنی بر ژنتیک و بیوتکنولوژی در جمع‌آوری ثروت و سوددهی بطور روزافزونی گسترش یافته است و در کشورهای در حال توسعه نیز دولت‌ها حمایت بسیار زیادی از این علوم می‌نمایند و با حمایت‌های ویژه این دولت زمینه‌های درآمدزایی بسیاری در این کشورها فراهم شده است.

[Downloaded from mail.mg.genetics.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.20084439.1387.3.1.8.5]